بلسان جان محبوب امكانرا ندا كن و بگو: ای خدای من و مالك من و دوست من و محبوب جان و روان من، چگونه از عهده شكر تو برآيم؟ در بحر غفلت و نادانی مستغرق بودم لسان فضلت مرا ندا نمود و يد عنايتت مرا اخذ كرد . ای پروردگار من غفلت من بمقامی رسيد كه مرا از فرات عذب يقين محروم ساخت و بماء صديد ظنون راه نمود . از ذكرت غافل شدم و تو از من غافل نشدی از حبّت مخمود بودم و نار عنايت تو مشتعل. بكدام وجه بتو توجّه نمايم و بچه لسان ترا بخوانم؟ خجلت و انفعال مرا فرو گرفته و از جميع جهات مأيوس ساخته . و لكن ای پروردگار من و مقصود من و مولای من شنيده‌ام كه فرموده ئی امروز روزيست كه اگر يكبار نفسی از روی صدق (ربّ أرنی) گويد از ملكوت بيان (أنظر ترانی) استماع نمايد و از اين كلمه مباركهء عاليه مقام امروز معلوم و واضح است. و همچنين فرموده ئی اگر نفسی از اوّل لا اوّل از جميع اعمال حسنه محروم مانده باشد اليوم تدارك آن ممكن است چه كه دريای غفران در امكان ظاهر و آسمان بخشش مرتفع. سؤال ميكنم از تو بحرمت اين روز مبارك كه مصدر و مطلع ايّام است مرا برضای خود موفّق بداری و بطراز قبول مزيّن نمائی .أی ربّ أنا المسكين و عندك بحر الغناء و أنا الجاهل و عندك كنوز العلم و العرفان و أنا البعيد و انّك أنت المقتدر المتعالی القريب.